

# تأثیر اصل جبران کامل خسارات در شیوه‌های عینی و انتزاعی ارزیابی خسارت در بیع بین‌المللی کالا

حسن بادینی<sup>۱\*</sup>، ابراهیم تقی‌زاده<sup>۲</sup>، ناصر علیدوستی شهرکی<sup>۳</sup>، پانته آ پناهی  
اصانلو<sup>۴</sup>

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲. عضو هیأت علمی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
۳. عضو هیأت علمی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران
۴. دانشجوی مقطع دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

پذیرش: ۹۵/۰۳/۲۸

دریافت: ۹۴/۱۰/۰۹

## چکیده

اصل جبران کامل خسارات که در حقوق ایران از آن به اصل اعاده وضعیت زیان‌دیده به حالت سابق تعبیر می‌گردد، در نظام‌های حقوقی مختلف و اسناد بین‌المللی، از جمله کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اصول اروپایی قراردادهای و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی مورد پذیرش واقع شده و در مورد نقض قراردادهای بیع بین‌المللی برای طرف زیان‌دیده نیز قابل استناد است. در نقض قرارداد بیع بین‌المللی، این اصل اقتضا دارد که وضعیت زیان‌دیده در شرایطی قرار گیرد که اگر قرارداد به طور کامل اجرا می‌شد، توقع داشته است. بنابراین در شیوه‌های تعیین خسارات قراردادی هم این اصل باید مد نظر قرار گیرد. لذا در روش عینی تعیین میزان خسارت که طرف زیان‌دیده حق انعقاد معامله جانشین را دارد یا در روش انتزاعی تعیین میزان خسارت که زیان‌دیده استحقاق دریافت

حسن بادینی و همکاران \_\_\_\_\_ تأثیر اصل جبران کامل خسارات...

مابه‌التفاوت قیمت کالای دریافتی با قیمت بازار را دارد، اعمال اصل جبران کامل ضروری است و هر روشی که این اصل را بهتر تأمین کند اولویت دارد.

**واژگان کلیدی:** اصل جبران کامل خسارات، روش عینی، روش انتزاعی، معامله جانشین و قیمت رایج

## ۱. مقدمه

عقد بیع<sup>۱</sup> همان‌گونه که در حقوق داخلی کشورها از اهمیت فراوان و کاربرد روزافزون برخوردار است، در بعد بین‌المللی و در تجارت بین‌الملل نیز بسیار پرکاربرد و حائز اهمیت است. مهم‌ترین منبع موجود در این خصوص «کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا»<sup>۲</sup> است که در سال ۱۹۸۰ در وین پس از بحث و بررسی براساس طرح اولیه آنسیترال به تصویب رسید. از جمله اسناد بین‌المللی دیگری که در این زمینه حاوی مطالبی هستند، یکی «اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی»<sup>۳</sup> است که توسط مؤسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی<sup>۴</sup> تهیه شده است و یکی هم «اصول قراردادها در اروپا»<sup>۵</sup> که در این مقاله بیش‌ترین تأکید در ارائه مطالب بر این سه سند خواهد بود، اما برای تعیین موضوع اشاره به حقوق داخلی ایران و برخی کشورهای دیگر اجتناب‌ناپذیر است. معیار بین‌المللی بودن بیع در قانون یکنواخت بیع بین‌المللی ۱۹۶۴ سه ضابطه انتقال مال از کشوری به کشور دیگر، وقوع ایجاب و قبول در دو کشور متفاوت و قرار داشتن محل تجارت بایع و مشتری در کشورهای مختلف بود که نهایتاً در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا دو ضابطه اول کنار گذاشته شد و فقط ضابطه سوم مورد قبول واقع گردید. بدین‌سان کنوانسیون یک معیار شخصی را برای تمیز بیع بین‌المللی از بیع داخلی پذیرفته و کار را آسان کرده است. ماده ۱ کنوانسیون مذکور مقرر

1. sale
2. Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG)
3. Unidroit Principles of International Commercial Contracts (UPICC)
4. UNIDROIT
5. Principles of European Contract Law (PECL)

داشته است: «این کنوانسیون ناظر بر قراردادهای بیع کالا بین طرف‌هایی است که محل تجارت آن‌ها در کشورهای متفاوت با یکدیگر واقع شده باشد...». کنوانسیون تعریفی از محل تجارت ارائه نمی‌دهد. برای تعیین محل تجارت باید به مقر تجاری محرز و دائمی طرفین توجه کرد، نه به محلی که اقدامات مقدماتی برای عقد قرارداد در آن‌جا انجام شده است.

برای این‌که بحث اصلی مقاله به نتیجه برسد، حتماً باید «اصل اعاده وضع زیان‌دیده به حالت قبل» یا «اصل جبران کامل خسارت» از نظر مبنا و نحوه اعمال در قراردادها بررسی شود. بنابراین، اصل فوق در حقوق داخلی ایران و برخی کشورهای دیگر و نیز نفوذ آن در اسناد بین‌المللی بدو مورد توجه قرار می‌گیرد، بعد از آن، مبانی اصل بررسی می‌شود و سپس مطالب مقاله از نظر تأثیر اصول مذکور بر شیوه‌های عینی و انتزاعی ارزیابی خسارات در بیع بین‌المللی کالا پیگیری خواهد شد؛ زیرا شیوه‌های ارزیابی ناگزیر باید در راستای نیل به این اصل تنظیم شوند.

## ۲. اصل اعاده وضع زیان‌دیده به حالت سابق یا جبران کامل

### خسارات

اصل فوق قاعده‌تاً در مسئولیت خارج از قرارداد یا همان ضمان قهری مطرح می‌شود؛ اما مبانی و شرایط و ضوابط آن عیناً قابل تسری به مسئولیت‌های ناشی از نقض قرارداد نیز خواهند بود که البته در مسئولیت قراردادی از این اصل می‌توان به «اصل جبران کامل خسارات قراردادی» تعبیر کرد که اقتضای آن تعیین وضعیت زیان‌دیده در شرایطی است که آن را با اجرای کامل قرارداد توقع داشته است. لازم به ذکر است عبارت «اصل اعاده وضع به حالت سابق» معمولاً در حقوق ایران به کار برده می‌شود و در حقوق خارجی، عبارت «اصل جبران کامل خسارات» کاربرد بیشتری دارد که از مبنای یکسانی پیروی می‌کنند و آثار یکسانی نیز دارند.

### ۱-۲. بررسی در حقوق ایران

در حقوق ایران، درخصوص جبران خسارت، اصل اولیه، اصل اعاده به وضع سابق است. در این راه، اولین قدم از بین بردن منبع ضرر است، «برای مثال تعطیل کردن کارخانه غیراستاندارد، توقیف

اتومبیل‌های دودزا، جمع‌آوری محصولات زیانبار، الزام به عذرخواهی، تکذیب نوشته افتراآمیز و قلع بنای نامتعارف برای از بین بردن منبع ضرر لازم است» [۱، ص ۱۶۱]. بعد از این مرحله باید سعی شود وضعیت فرد زیان‌دیده به حالت قبل از ورود ضرر برگردد. در حقوق ایران این دیدگاه نیز وجود دارد که اصل جبران کامل خسارات مستند صریحی در متون قانونی و فقهی ندارد و نتیجه نظریه‌پردازی دکترین است؛ به نحوی که گفته شده است، هرچند پذیرش این نظریه منافاتی با مبانی فقهی و قانونی ندارد، مطلوبیت و ضرورتی نیز برای آن وجود ندارد و قابلیت جبران خسارات را باید با توجه به عوامل اساسی همچون مبنای مسؤلیت، زمینه آن، نحوه ورود خسارت (عمد، بی‌احتیاطی و ...) و طبیعت ضرر و خسارت تعیین کرد [۲، ص ۹۰]؛ اما به نظر می‌رسد این تحلیل منافاتی با مبانی اصل جبران کامل ندارد؛ زیرا با پذیرش اصل جبران کامل خسارات، ملاحظات فوق، خود به خود در دل این اصل قرار می‌گیرند؛ به نحوی که اعمال اصل، این اقتضا را دارد که جمیع جوانب در نظر گرفته شوند، به عبارت دیگر، حدود و ثغور اصل جبران کامل خسارات در هر مصداق با توجه به ملاحظات فوق در نظر گرفته می‌شود.

## ۲-۲. بررسی در حقوق فرانسه و کامن‌لا

در کامن‌لا نظریه‌ای قدیمی تحت عنوان «نقض عهد کارا»<sup>۱</sup> وجود داشت که براساس آن متعهد می‌توانست به تعهد خود عمل نکند، مشروط بر این‌که هر خسارتی را که به متعهدله وارد شده جبران کند؛ با این توجیه که هرگاه متعهد احساس کند که با تخصیص دادن منابع مورد نیاز برای انجام تعهد به یک قرارداد دیگر می‌تواند نفع بیش‌تری تحصیل کند، مجاز است نقض عهد کرده، منافع خود را صرف قرارداد پرسودتر کند. به این شکل هم منفعت عاید متعهد می‌شود و هم در کل با تولید ثروت بیش‌تر جامعه نیز منتفع می‌شود. حق متعهدله قرارداد اول هم که نقض شده به این شکل تضمین می‌گردد که متعهد موظف است کلیه خسارات متعهدله قرارداد اول را جبران کند [۵، ص ۴۹]. این نظریه هرچند از این جهت که دعوای الزام به انجام تعهد را قابل پذیرش نمی‌داند قابل انتقاد است، اما مشخص می‌کند که اصل جبران کامل خسارات از قدیم در حقوق انگلیس و نظام کامن‌لا

1. efficient breach

وجود داشته است، با این حال، بیان شده است که در کامن‌لا دو هدف برای جبران خسارت پیش‌بینی شده است: هدف اول بازگرداندن زیان‌دیده به وضعیت انجام تعهد و هدف دوم بازگرداندن وضع زیان‌دیده به قبل از انعقاد قرارداد [۳، ص ۵۹]. به نظر می‌رسد هدف اول منطبق با اصل جبران کامل خسارات است؛ اما هدف دوم با اهداف اصل جبران کامل خسارات در تعارض است؛ زیرا اقتضای جبران کامل خسارات این است که زیان‌دیده به منافع متوقع از قرارداد دست پیدا کند و آنچه از قرارداد باید عاید او می‌شد در راستای جبران کامل خسارات باید به او پرداخت شود؛ چنان‌که در دعوی رابینسون علیه هارمن در سال ۱۸۴۸<sup>۱</sup> این قاعده مهم قابل برداشت است که «هدف از جبران خسارات ناشی از نقض قرارداد آن است که طرفین عقد را در موقعیتی قرار دهد که در صورت اجرای عقد در آن قرار می‌گرفتند» [۴، ص ۲۴۵].

در حقوق فرانسه مواد ۱۱۴۹ و ۱۱۵۰ از قانون مدنی، مستند اصل جبران کامل خسارات تلقی می‌شوند، به شکلی که هم ضرر واقعی و هم عدم‌النفع را قابل مطالبه می‌دانند [۵، ص ۳۴۹]؛ مشروط بر این‌که این ضررها قابل پیش‌بینی باشند. البته بر فرض قابلیت پیش‌بینی یک استثنا وارد شده است که در آن، مدیون مسئول کل خسارات وارد و عدم‌النفع اعم از پیش‌بینی شده و پیش‌بینی نشده قلمداد گردیده و آن، جایی است که مدیون مرتکب تقصیر عمدی (که تقصیر سنگین هم ملحق به آن است) شده باشد [۶، ص ۳۶۴].

## ۲-۳. بررسی در اسناد بین‌المللی

ماده ۷۴ کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ وین،<sup>۲</sup> مبنای اصل جبران کامل در این کنوانسیون است. هرچند به صراحت این ماده به اصل جبران کامل اشاره نکرده، اما می‌توان این اصل را از مفاد ماده برداشت کرد. به نظر می‌رسد عبارت ماده وقتی از واژه خسارت به صورت مطلق استفاده کرده است و عدم‌النفع را هم مشمول جبران دانسته، همان هدف در اصل جبران کامل را در نظر دارد؛ به

1. Robinson v Harman (1848)

۲. این ماده مقرر می‌دارد: «خسارت ناشی از نقض قرارداد توسط یکی از طرفین، عبارت است از مبلغی معادل با زیان، از جمله عدم‌النفع که طرف دیگر در نتیجه نقض قرارداد متحمل شده است. چنین خسارتی نمی‌تواند از زیانی که نقض‌کننده در زمان انعقاد قرارداد در سایه امور و وقایعی که او نسبت به آن آگاه بوده یا بایست آگاه می‌بوده است و به‌عنوان اثر احتمالی نقض قرارداد پیش‌بینی کرده یا بایست پیش‌بینی می‌کرده است، فراتر رود.»

نحوی که شورای مشورتی کنوانسیون وین<sup>۱</sup> ماده ۷۴ را بیانگر اصل جبران کامل خسارت اعلام کرده است، همچنین قبل از انعقاد کنوانسیون، دبیرخانه کنفرانس وین در تفسیر رسمی که از ماده ۷۰ پیش‌نویس ۱۹۷۸ به عمل آورد (که عیناً تبدیل به ماده ۷۴ کنوانسیون وین گردید) فلسفه اصلی این ماده را قرار دادن زیان‌دیده در وضعیتی اعلام کرد که در صورت عمل به تعهد، از آن وضع برخوردار می‌شده است [۳، ص ۵۴]. علاوه بر این، در برخی از آرای داوری نیز اصل جبران کامل خسارت از ماده ۷۴ استنباط شده است [۷، ص ۸۸].

در ماده ۲-۴-۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی<sup>۲</sup>، با صراحت به اصل جبران کامل خسارت اشاره شده است و بدون هرگونه تفسیر و توجیه این اصل قابل برداشت است؛ به نحوی که یکی از اصول حاکم بر این سند بین‌المللی، اصل جبران کامل خسارات دانسته شده است [۸، ص ۱۵۶]. البته دریافت غرامت به دلیل صدمه و زیان غیرمادی ممکن است شکل‌های متفاوتی به خود بگیرد و تصمیم‌گیری در این باره که کدامیک از شکل‌های مزبور، خواه جمعاً خواه منفرداً، به بهترین وجهی غرامت کامل را تضمین می‌کند، بر عهده دادگاه است. دادگاه نه تنها می‌تواند به پرداخت خسارت رأی بدهد، بلکه می‌تواند دستور دهد که از سایر شکل‌های جبران ضرر و زیان، مانند انتشار آگهی در روزنامه‌ای که دادگاه تعیین کرده است استفاده شود [۹، ص ۲۹۲].

ماده ۵۰۲-۹ اصول اروپایی قراردادهای<sup>۳</sup> نیز به صراحت به اصل جبران کامل اشاره نکرده است؛ اما عبارت این ماده با پیش‌بینی این که خسارت باید به نحوی باشد که تا حد امکان زیان‌دیده را در موقعیتی قرار دهد که اگر به قرارداد بیع بین‌المللی عمل می‌شد از آن برخوردار می‌گشت، این اصل

#### 1. CISG Advisory Council

۲. این ماده مقرر داشته: «(۱) طرف زیان‌دیده به دلیل متحمل شدن صدمات ناشی از عدم اجرا مستحق دریافت غرامت کامل است. این صدمات، هرگونه زیان وارد و هرگونه نفعی را شامل می‌شود که وی از آن محروم شده است؛ آن هم با احتساب هرگونه نفع مکتسب از طرف زیان‌دیده که ناشی از اجتناب از هزینه یا صدمه باشد. (۲) صدمه مزبور ممکن است غیرمالی و به‌عنوان مثال شامل صدمه جسمی یا فشار روحی باشد.»

۳. این ماده مقرر داشته: «اقدام متعارف در پرداخت خسارات، آن میزان خساراتی است که زیان‌دیده را در نزدیک‌ترین موقعیت ممکن که او در صورت اجرای کامل قرارداد قرار می‌گرفت قرار دهد. این خسارات هم خساراتی که زیان‌دیده متحمل شده را در بر می‌گیرد و هم خساراتی را که او از به دست آوردن آن‌ها محروم شده است.»

را به رسمیت شناخته است و در واقع به جای اشاره به اصل، تعریف آن را ارائه داده که به نظر می‌رسد این امر هم در حد تصریح باشد. در این خصوص گفته شده است که مبنای این ماده را باید در تئوری نفع متوقع جستجو کرد؛ به این صورت که طرف متضرر مستحق دریافت خسارات به همان میزانی است که از قرارداد انتظار داشته است [۱۰، ص ۴۳۸]. بنابراین، خسارات تبعی نیز مشمول این ماده و اصل جبران کامل خسارات خواهند بود. خسارات تبعی<sup>۱</sup> خساراتی هستند که سببیت نقض عهد در ایجاد آن‌ها با واسطه‌ی امور، اقدامات و حوادث دیگر است. در این میان، خسارت تبعی نتیجه طبیعی نقض عهد است و اقدامات زیان‌دیده در آن نقشی ندارد [۱۱، ص ۱۷۹].

### ۳. ارتباط اصل جبران کامل خسارات قراردادی با مبانی مسؤولیت قراردادی

تا این بخش از مقاله مشخص گردید اصل جبران کامل خسارات قراردادی، اصلی حاکم در زمان ارزیابی خسارات قراردادی پس از نقض قرارداد بیع بین‌المللی است. قبل از بررسی نحوه اجرای اصل در ارزیابی خسارات، لازم است از نظر مبانی نیز این اصل با مسؤولیت قراردادی پیوند داده شود. به عبارت دیگر، وقتی اصل جبران کامل خسارات در مسؤولیت قراردادی مورد پذیرش قرار گرفت، پس قطعاً باید با مبانی مسؤولیت قراردادی سازگار باشد که در این قسمت تئوری‌های مربوط به مبانی مسؤولیت قراردادی به صورت مختصر معرفی و ارتباط آن‌ها با اصل جبران جبران کامل خسارات بررسی می‌شود.

#### ۳-۱. تئوری نفع اتکا<sup>۲</sup>

از جمله نفع‌هایی که در ادبیات حقوقی کامن‌لا مورد حمایت است، نفع اتکا<sup>۳</sup> است و مراد از آن، حمایت از اتکایی است که متعاقد در انعقاد عقد به وعده طرف مقابل دارد و همین اتکا موجب انعقاد

1. consequential damages

2. reliance interest

۳. می‌توان واژه reliance interest را به نفع اعتماد نیز ترجمه کرد، اما در بحث حاضر به نظر می‌رسد مراد تکیه و پشتگرایی طرف قرارداد به ایفای تعهدات طرف مقابل است تا اعتماد و اطمینان او به فرد مقابل.

عقد از جانب وی شده است و چون این اتکا به ثمر نمی‌رسد، متعهدله متحمل خساراتی می‌شود که باید به صورت کامل جبران شوند [۱۲، ص ۳۵۰].

در بررسی منابع حقوق کامن‌لا می‌توان دو نوع اتکای اساسی<sup>۱</sup> و تبعی<sup>۲</sup> را از هم تفکیک کرد. اتکای اساسی به هزینه‌هایی اشاره دارد که خواهان در راستای تحصیل ایفای خوانده صورت می‌دهد و به عبارتی قیمت ایفای خوانده است و خواهان برای وصول ایفا ناگزیر از صرف این هزینه‌ها است [۱۳، ص ۷۶]. از جمله موارد مشمول این عنوان، ایفای شروط صریح و ضمنی در قرارداد دو تعهدی،<sup>۳</sup> ایفای مفاد ایجاب در قرارداد یکطرفه، مهیا شدن برای ایفا در هر دو گونه قرارداد و ضررهای متحمل در انعقاد خود قرارداد، مثلاً انصراف از فرصت معامله دیگر است. اتکای تبعی در مقابل اتکای اساسی، نمی‌تواند قیمت ایفای خوانده تلقی شود. در واقع، اگر اتکای اساسی اتکا به خود وعده است، اتکای تبعی اتکا به ایفای وعده است و خواهان با اتکا به ایفای خوانده هزینه‌هایی می‌کند [۱۴، ص ۱۶]. از جمله مصادیق اتکای تبعی می‌تواند هزینه‌های صورت گرفته برای استفاده بهینه آتی از موضع ایفا باشد؛ مثل هزینه تبلیغ مال موضوع قرارداد که خواهان قصد دارد پس از وصول آن متعاقب ایفای تعهد خوانده آن را به فروش برساند. بنابراین، برابری اعمال این تئوری در هر دو قسم منجر به اجرای اصل جبران کامل خسارات می‌شود.

### ۲-۳. نفع متوقع<sup>۴</sup>

نفع متوقع به نفع متعهدله در تحصیل ایفای معهود قراردادی گفته می‌شود و چنان‌که از نام آن بر می‌آید، نفع متوقع متعهدله از ایفای قرارداد توسط متعهد است. بنابراین در جبران خسارات متعهدله باید در موقعیتی قرار گیرد که اگر قرارداد ایفا می‌شد، در آن قرار داشت [۱۵، ص ۹۷۹]. این هدف توسط برخی با بیانی متفاوت و در قالب اصل معروف به «بی تفاوتی»<sup>۵</sup> تعیین شده است. به موجب این اصل، رژیم ضمانت اجرای نقض قرارداد باید به شکلی باشد که متعهدله را میان ایفا و جبران قانونی بی تفاوت کند؛ یعنی در هر دو حالت او در وضعیت یکسانی قرار گیرد [۱۴، ص ۱۶]. قرار

1. essential reliance
2. incidental reliance
3. bilateral contract
4. expectation interest
5. indifference principle



دادن متعهدله در موقعیت ایفا که از جمله نقاط قوت این تئوری است، منطبق با اثری است که از اجرای اصل جبران کامل خسارات به دست می‌آید.

### ۳-۳. تئوری نفع ایفا<sup>۱</sup>

ادبیات حقوقی کامن‌لا در تحصیل خسارات ناشی از نقض قرارداد، اغلب از نفع متوقع و نفع اتکا سخن می‌گوید؛ اما متعاقب انتشار مقاله دانیل فریدمن<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۵ با عنوان نفع ایفا، این اصطلاح نیز وارد مباحث حقوقی کامن‌لا شد و برخی علما از آن در تألیفات خود استفاده کردند [۱۶، ص ۱۰۶]. براساس تئوری نفع ایفا، حق ابتدایی خواهان بر ایفای قرارداد را باید بر حق ثانوی او بر مطالبه خسارت، اولویت داد. هدف اصلی قرارداد، طبق اصل لزوم، ایفای آن است و از این رو، بدیهی‌ترین وسیله برای حمایت از حق بر ایفای قرارداد، الزام به ایفا است [۱۷، ص ۷۴]. از آن‌جا که ایفای تعهد، هرچند پس از نقض قرارداد بیع بین‌المللی، نقش مؤثرتری در جبران کامل خسارات و اعاده وضع به حالت قبل از نقض قرارداد دارد، می‌توان مبنای اصل جبران کامل خسارات را با تئوری نفع ایفا گره زد؛ به این مفهوم که الزام به انجام تعهد می‌تواند با هدف جبران کامل خسارات ناشی از نقض قرارداد صورت پذیرد.

### ۳-۴. تئوری استرداد<sup>۳</sup>

برعکس تئوری‌های گفته شده که همگی بر وضعیت خواهان تمرکز داشتند، در این تئوری ملاک، وضعیت خواننده است. هدف در این تئوری، جلوگیری از دارا شدن غیرعادلانه<sup>۴</sup> یا دارا شدن بلاجهت خواننده است [۱۸، ص ۵۷۰]. آنچه تحت عنوان حق فسخ به‌عنوان یک ضمانت‌اجرا در صورت نقض قرارداد بیع بین‌المللی، در اختیار متعهدله قرار دارد، در قالب این تئوری جای می‌گیرد که البته گاه توأم با مطالبه خسارات تبعی نیز می‌گردد؛ اما در هر حال ملاک در این تئوری ممانعت از دارا شدن بلاجهت خواننده است. دارا شدن بلاجهت برای اثبات، نیاز به داشتن سه رکن کم شدن از دارایی

---

1. performance interest  
2. Daniel Friedmann  
3. restitution  
4. unjust enrichment



خواهان، افزایش در دارایی خواننده و عدم وجود علت قانونی در این افزایش و کاهش دارد [۱۹، ص ۹۹].

از آنجا که در اصل جبران کامل خسارات قراردادی، ترمیم وضعیت زیان‌دیده مد نظر است، لذا پیوند مبانی آن با تئوری استرداد چندان معقول به نظر نمی‌رسد؛ هرچند در راستای جبران کامل خسارات گاه استرداد، خود بهترین طریق است.

## ۴. اصل جبران کامل خسارات در ارزیابی خسارات در زمان نقض

### قرارداد بیع بین‌المللی

منظور از ارزیابی خسارات، چگونگی تقویم خسارات وارد شده به طرف زیان‌دیده قرارداد بیع بین‌المللی، به پول است. به عبارت دیگر، هدف تعیین میزان تعهدات فرد ناقض قرارداد بیع بین‌المللی است. مسلماً از آنجا که نقض یک قرارداد بیع بین‌المللی به شیوه‌های بسیار متنوع ممکن است اتفاق بیفتد و ضررهای متنوعی ممکن است از این نقض حاصل شود، به تبع آن ارائه راهکار واحد و یا حتی پیش‌بینی کلیه تصورات ممکن امری مقدور نخواهد بود؛ اما در حقوق داخلی کشورها و اسناد بین‌المللی از دو فرمول شناخته شده برای محاسبه خسارات استفاده کرده‌اند که یکی «روش عینی»<sup>۱</sup> و دیگری «روش انتزاعی»<sup>۲</sup> است که شرح آن‌ها ارائه می‌گردد. اما علاوه بر رعایت اصل جبران کامل خسارات در تفسیر این دو روش، خساراتی هستند که با این دو روش قابل محاسبه نیستند و باید با رعایت اصل جبران کامل یا اعاده وضع به حالت اجرای کامل قرارداد بیع بین‌المللی در خصوص آن‌ها چاره‌ای را جستجو کرد. بنابراین ابتدا به بررسی روش‌های فوق پرداخته می‌شود و ضمن این بررسی، تأثیر اصل جبران کامل خسارات تبیین می‌گردد.

### ۴-۱. روش محاسبه عینی خسارات

1. concrete method
2. abstract method

براساس ماده ۷۵ از کنوانسیون بیع بین‌المللی، اگر قرارداد بیع بین‌المللی نقض شود، یعنی اگر فروشنده طبق قرارداد کالا را تحویل ندهد یا خریدار کالا را تحویل نگیرد، در یک رفتار معقول و در یک فاصله زمانی متعارف بعد از نقض قرارداد، خریدار می‌تواند کالای جانشین خریداری کند یا فروشنده می‌تواند کالا را بازفروش کند و طرف مدعی خسارت، مابه‌التفاوت ثمن قرارداد اصلی و ثمن مربوط به معامله جانشین را مطالبه کند. مقررات مربوط در اصول قراردادهای اروپایی و نیز اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی نیز مقرراتی شبیه به همین دارند.<sup>۱</sup> این روش در حقوق داخلی بسیاری از کشورها موجود بوده، در شروط قراردادی طرفین نیز در بسیاری موارد وارد می‌شود. که در این خصوص در ادامه توضیحات لازم ارائه خواهد شد.

در حقوق انگلیس و به طور کلی در کامن‌لا یک قاعده قدیمی وجود دارد که براساس آن، طرف متضرر در مقابل نقض قرارداد حق انعقاد معامله جانشین را دارد که این قاعده در اسناد بین‌المللی هم همان‌طور که گفته شد به رسمیت شناخته شده است؛ با این تفاوت که در ماده ۷۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، بعد از فسخ قرارداد اصلی، امکان انعقاد قرارداد جانشین وجود دارد؛ اما به اعتقاد نویسندگان انگلیسی نتیجه خودبه‌خودی انعقاد قرارداد جانشین، انحلال قرارداد اصلی و بازگشت مالکیت کالا به فروشنده و سپس انتقال آن به خریدار دوم است [۲۰، ص ۷۱۹].

در فرانسه طبق ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی، حق فسخ معامله مطرح است و دادگاه با احراز شرایط، حکم به فسخ معامله و بازگشت عوضین معامله را می‌دهد و بعد از آن خریدار یا فروشنده می‌تواند با عوض بازگشت داده شده، کالای مشابه بخرد و یا عوض بازگشت داده شده را مجدد بفروشد و مابه‌التفاوت به‌عنوان خسارت قابل مطالبه خواهد بود [۲۱، ص ۵۸]. در حقوق ایران براساس ماده ۳۶۲ قانون مدنی به مجرد وقوع عقد بیع، خریدار مالک بیع و فروشنده مالک ثمن می‌شود. لازم به ذکر است که برخی این اثر تملیکی را در بیع عین کلی جاری نمی‌دانند [۲۱، ص ۱۸]. اما به هر حال تا قبل از فسخ بیع، هرگونه حق برای دخل و تصرف در عوضی که فرد داده است، غیرممکن است و حتی ممکن است فرد به «فروش مال غیر» به‌عنوان یک جرم متهم شود. لذا از ابتدا باید بیع فسخ شود، آن هم از طرقی که در قانون پیش‌بینی شده است و سپس هر یک از طرفین حق بازخرید یا بازفروش را دارند و بعد از آن مابه‌التفاوت به‌عنوان خسارت قابل مطالبه خواهد بود؛ با این توضیح

۱. ماده ۷۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، ماده ۵-۴-۷ از اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و ماده ۵۰۶-۹ اصول قراردادهای اروپایی.

که در حقوق ایران برای فسخ نیاز به حکم دادگاه نیست، یعنی حکم دادگاه جنبه اعلامی دارد، نه تأسیسی.

#### ۴-۱-۱. شرایط استفاده از روش عینی

برای این که بتوان برای مطالبه میزان خسارات از روش عینی استفاده کرد معامله جانشین باید شرایطی داشته باشد والا حق استناد به این روش از بین خواهد رفت. البته این بدان مفهوم نیست که متضرر حق مطالبه خسارات نخواهد داشت، بلکه در راستای اصل جبران کامل خسارات، از روش‌های دیگری باید استفاده کند؛ چنان‌که در شرح ماده ۷۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا گفته شده است: «هیچ دلیلی وجود ندارد که در صورت تلاش ناموفق خریدار یا فروشنده متضرر در استفاده از مفاد ماده ۷۵ حق آن‌ها به طور کلی در مورد مطالبه خسارت از طرف ناقص قرارداد زائل می‌شود» [۲۲، ص ۱۴]. شرایط مورد اشاره عبارتند از:

۴-۱-۱-۱. قرارداد جانشین یک قرارداد متعارف باشد: متعارف بودن قرارداد جانشین هم به صراحت در ماده ۷۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مورد اشاره قرار گرفته است و هم در ماده ۵-۴ از اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و ماده ۵-۶-۹ اصول قراردادهای اروپا تجویز شده است. مثلاً اگر ثابت شود خرید کالایی که در قرارداد اصلی بیع بین‌المللی تحویل داده نشده در محل اجرا امکان پذیر بوده، خریداری آن در جای دیگر با همان قیمت و پرداخت هزینه حمل غیرمعقول است؛ یا حراج کالا امری نامعقول تلقی می‌گردد؛ که این اقدامات خود نمونه‌های بارزی از تقلیل خسارت محسوب می‌شوند. البته از سوی دیگر، چنانچه طرف متضرر بیش از این مقدار خسارت دیده باشد می‌تواند مازاد را نیز مطالبه کند [۲۳، ص ۱۸۸].

۴-۱-۱-۲. قرارداد جانشین ظرف مدت معقول منعقد گردد: در این خصوص نیز در مواد مذکور از هر سه سند مورد اشاره صراحت وجود دارد. البته باید توجه داشت که آغاز مدت معقول از زمان فسخ قرارداد بیع بین‌المللی خواهد بود؛ در حالی که با توجه به مطالب پیشگفته این آغاز در حقوق انگلیس از زمان نقض است؛ زیرا آن‌جا نیاز به فسخ قبل از انعقاد قرارداد جانشین نبود. تعیین مدت زمان معقول به شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر قضیه بستگی دارد. مثلاً نوع کالا، هدف از

خرید آن در قرارداد اصلی بیع بین‌المللی، در دسترس بودن بازار، خرید کالای جانشین و... مؤثر در تعیین این مدت هستند [۲۴، ص ۱۹۷].

۴-۱-۳. قرارداد جانشین توأم با حسن نیت منعقد گردد: ماده ۷۰۶-۲ U.C.C. به صراحت به شروط انعقاد معامله جانشین از روی حسن نیت تأکید کرده است و زیان‌دیده‌ای را که قصد انعقاد معامله جانشین دارد ملزم کرده میباید با حسن نیت و به شیوه‌ای که از نظر بازرگانی معقول است، با فروش کند [۶، ص ۴۴]. در اسناد بین‌المللی، از شرط انجام معامله جانشین با حسن نیت با صراحت گفته شده در U.C.C. مطلبی به میان نیامده است، لکن با توجه به اصول حاکم بر این اسناد بین‌المللی و سایر مواد آنها، روشن می‌گردد که اصل حسن نیت و تکلیف به رعایت آن، در تمام تعهدات طرفین مجرا است. بند اول از ماده ۷ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در بیان اصول تفسیر کنوانسیون به حسن نیت اشاره کرده است، اما برخلاف این ظاهر اصل حسن نیت را نباید محدود به تفسیر کنوانسیون کرد، بلکه اصل حسن نیت یکی از قواعد عمومی است که باید بر کل کنوانسیون، اعم از تفسیر، انعقاد قرارداد یا اجرای قرارداد حاکم باشد [۶، ص ۴۴].

در حقوق ایران نیز هرچند صراحتی در مورد حسن نیت وجود ندارد، اما رعایت حسن نیت در رعایت عرف و عادت و رفتار متعارف متبلور می‌گردد [۲۵، ص ۳۶۹]. با این حال در مواضع جدید قانونگذار، اشاره به اصل حسن نیت رواج یافته است. به‌عنوان مثال در ماده ۳ قانون تجارت الکترونیک می‌خوانیم: «در این قانون همیشه باید به خصوصیت بین‌المللی، ضرورت توسعه هماهنگی بین کشورها در کاربرد آن و رعایت لزوم حسن نیت توجه کرد». بنابراین اصل حسن نیت را در ایران و در حقوق قراردادهای باید به رسمیت شناخت [۲۶، ص ۲۰۴].

#### ۲-۴. روش محاسبه انتزاعی خسارات

روش دیگری که در اسناد بین‌المللی پیش‌بینی شده، روش انتزاعی جبران خسارات است که با هدف جبران مابه‌التفاوت قیمت قراردادی و قیمت روز «قیمت بازار» تدوین یافته است، ماده ۷۶ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، بیانگر قواعد ارزیابی خسارت در مواقعی است که به علت نقض قرارداد بیع بین‌المللی توسط یکی از طرفین، معامله قبلی فسخ می‌شود، ولی طرف متضرر اقدام به انعقاد معامله جانشین نمی‌کند. ماده مذکور بیان می‌دارد: «۱. در صورتی که قرارداد فسخ شده باشد و برای کالا،



قیمت رایجی موجود باشد، طرفی که مدعی خسارت است، می‌تواند تفاوت بین ثمن تعیین شده در قرارداد و قیمت رایج در زمان فسخ قرارداد را مشروط بر این‌که کالا را به موجب ماده ۷۵ نخریده یا نفروخته باشد، تحصیل نماید...».

در ماده ۶-۴-۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و ماده ۵۰۷-۹ از اصول قراردادهای اروپایی نیز روش جبران انتزاعی خسارات با صراحت مورد پذیرش واقع شده و تنها تفاوت‌های جزئی در نحوه بیان وجود دارد؛ ضمن این‌که دو سند اخیر اختصاص به بیع ندارند. در حقوق ایران نیز هرچند در باب ضمان قهری، اما پرداخت قیمت روز یا یوم‌الادا را می‌توان در مواد ۳۱۱ و ۳۱۲ قانون مدنی مشاهده کرد. در بیع نیز با لحاظ ماده ۳۸۶ قانون مدنی<sup>۱</sup> در فسخ قرارداد و با لحاظ رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور<sup>۲</sup> در بطلان قرارداد، می‌توان غرامت مطالبه کرد. به نظر می‌رسد در محاسبه این غرامت، قیمت روز مبیع باید مد نظر باشد.

#### ۴-۲-۱. شرایط استفاده از روش انتزاعی

برای این‌که بتوان از روش انتزاعی در محاسبه خسارات استفاده کرد، همانند روش قبلی باید شرایط لازم احراز شود. این شرایط عبارتند از:

۴-۲-۱-۱. روش عینی محاسبه خسارات قابل اعمال نباشد؛ همان‌طور که در مباحث قبل بحث شد، اصل بر جبران کامل خسارات است. روش عینی جبران خسارات به اصل فوق نزدیک‌تر است و بنابراین تا زمانی که بتوان از این روش استفاده کرد نوبت به استفاده از روش انتزاعی نخواهد رسید. لذا روش انتزاعی ویژه حالتی است که معامله جانشین منعقد نشده باشد. ولی اگر معامله

۱. این ماده مقرر می‌دارد: «اگر ... معامله فسخ شود باید علاوه بر ثمن، مخارج معامله و مصارف متعارف را که مشتری کرده است بدهد.»

۲. در این رأی آمده است: «به موجب ماده ۳۶۵ قانون مدنی، بیع فاسد اثری در تملک ندارد، یعنی بیع و ثمن کماکان در مالکیت بایع و مشتری باقی می‌ماند و حسب مواد ۳۹۰ و ۳۹۱ قانون مرقوم، اگر بعد از قبض ثمن، مبیع کلاً یا جزئاً مستحق‌الغیر درآید، بایع ضامن است و باید ثمن را مسترد دارد و در صورت جهل مشتری به وجود فساد، از عهده غرامات وارد شده بر مشتری نیز برآید و چون ثمن در اختیار بایع بوده است در صورت کاهش ارزش ثمن و اثبات آن، با توجه به اطلاق عنوان غرامات در ماده ۳۹۱ قانون مدنی بایع قانوناً ملزم به جبران آن است.»

جانشین منعقد شده باشد، اما این معامله غیرمعقول یا خارج از مدت متعارف باشد باز هم می‌توان از روش انتزاعی استفاده کرد [۲۲، ۴۱۶]. برخی بر این اعتقادند که براساس اصل جبران کامل خسارات، چنانچه روش عینی در تعیین میزان خسارات، کل خسارات وارد شده را جبران نکرد، می‌توان جهت تکمیل از روش انتزاعی هم استفاده کرد [۲۳، ص ۱۹۴]. اما به نظر می‌رسد این دو روش با هم قابل جمع نیستند و در صورت عدم جبران کامل خسارات در یکی از روش‌های عینی و انتزاعی باید از روش‌های عام در جبران خسارات کمک گرفت، نه استفاده از یکی دیگر از روش‌های خاص.

۲-۱-۲-۴. در یک زمان معقول بعد از نقض قرارداد به این روش استناد شود: بدیهی است استفاده از روش انتزاعی در محاسبه خسارات وارد شده برای زمانی است که قرارداد بیع بین‌المللی نقض شده باشد؛ اما فرد زیان‌دیده باید در یک زمان معقول و متعارف بعد از نقض قرارداد به این روش استناد کند؛ زیرا تعیین قیمت رایج و مقایسه آن با قیمت قراردادی نمی‌تواند از نقض قرارداد فاصله طولانی بگیرد [۲۴، ص ۱۹۸]. البته باید زمانی را که کالای معیوب تحویل داده می‌شود و بعداً خریدار متوجه می‌شود که کالا معیوب بوده از این قاعده مستثنا کرد [۲۴، ص ۱۹۹]؛ زیرا هرچند نقض قرارداد در زمان تحویل کالای معیوب اتفاق افتاده است، اما خریدار آن موقع از این امر بی‌اطلاع بوده است.

۳-۱-۲-۴. وجود قیمت رایج برای کالا: روش انتزاعی زمانی قابل استناد است که بتوان قیمت رایج کالا را مشخص کرد. قیمت رایج یا قیمت روز<sup>۱</sup> معادل قیمت بازار<sup>۲</sup> است که از نظر اصطلاحی هر یک از این سه به کار روند مفهوم یکسانی دارند. در تعریف این اصطلاح گفته شده است: «قیمتی است که بدان قیمت، فروشنده‌ای آماده و مایل به فروش کالا و خریداری آماده و مایل به خرید آن براساس جریان عادی تجارت هستند. به تعبیر دیگر، قیمت بازار قیمتی است که بر معاملات رایج بازار حاکم است» [۲۷، ص ۶۰]. بند دوم از ماده ۶-۴-۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی مقرر داشته: «مبلغ رایج مبلغی است که عموماً برای کالاهای تحویل شده یا خدمات انجام شده در اوضاع و احوال قابل قیاس، در محلی که قرارداد باید اجرا می‌شده است به حساب گذاشته می‌شود، یا اگر در آن محل هیچ مبلغ رایجی وجود نداشته باشد، مبلغ رایج در محل دیگری که ارجاع به آن معقول

1. going price or current price

2. market price



و متعارف به نظر برسد، محاسبه می‌شود». همچنین بند دوم از ماده ۷۶ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مقرر داشته است: «از نظر بند پیشین، قیمت رایج عبارت است از قیمت متداول در محلی که کالا بایست در آنجا تسلیم می‌شد یا چنانچه در آن محل قیمت رایجی موجود نباشد، با احتساب هزینه‌های حمل، قیمت رایج در محل دیگری که عرفاً جایگزین محل مزبور باشد».

#### ۳-۴. ارتباط با اصل جبران کامل خسارات قراردادی

با توجه به آنچه بیان شد، مشخص می‌گردد روش‌های عینی و انتزاعی جبران خسارات در راستای نیل به جبران کامل خسارات قراردادی وضع شده‌اند و هر دو روش به دنبال ایجاد منافع مورد انتظار طرف قرارداد، از اجرای قرارداد هستند که در این امر با مبنای اصل جبران کامل و تئوری نفع متوقع سازگارند. علاوه بر این در تفسیر ضوابط حاکم بر این روش‌ها، مثل تفسیر زمان و مکان تعیین قیمت رایج، باید اصل جبران کامل خسارات را مد نظر داشت. از دو روش فوق آن روشی اولویت اجرا دارد که با اصل جبران کامل خسارات سازگاری بیشتری داشته باشد و هرگاه هیچ‌یک از این روش‌ها به لحاظ عدم وجود شرایط قابل اجرا نباشند، اجرای اصل جبران کامل خسارات اقتضا دارد که از روش‌های دیگر به‌ویژه اعمال ضوابط مربوط به خسارات تکمیلی و تبعی استفاده شود.

به‌عنوان یک نمونه عملی در مورد عدم امکان اعمال روش‌های عینی و انتزاعی، شرکت آرژانتینی (فروشنده) و شرکت دانمارکی دو قرارداد بیع با موضوع تأمین زرده تخم‌مرغ منعقد کردند. به لحاظ عدم تسلیم کالا، طرفین قراردادهای جدیدی بستند که جایگزین قراردادهای سابق شد. از آنجا که فروشنده مجدداً در اجرای تعهدات خود کوتاهی ورزید، خریدار به منظور مطالبه خسارت دعوایی علیه وی اقامه کرد. دادگاه متذکر شد چون در قضیه حاضر خریدار قرارداد جایگزین منعقد کرده است، خسارت نمی‌تواند بر مبنای بند ۱ ماده ۷۶ کنوانسیون ارزیابی شود. مع الوصف ماده ۷۵ کنوانسیون نیز به دلیل عدم ارائه دلایل و شواهد مربوط به قیمت معامله جایگزین توسط خریدار قابل اعمال نیست. علاوه بر این، دادگاه مقرر داشت به دلیل این‌که خریدار اخطار صحیح فسخ قرارداد طبق ماده ۲۶ را ارسال نکرده است، مواد مذکور نمی‌تواند اعمال شود. با وجود این، دادگاه



خریدار را طبق مواد ۴۵ و ۷۴ کنوانسیون و در راستای اصل جبران کامل خسارات، مستحق مطالبه خسارت شناخت و در ارزیابی مقدار آن، قیمتی را که فروشنده برای نوع مشابه کالا در قرارداد با اشخاص ثالث در همان دوره تعیین کرده بود، در نظر گرفت [۲۸، ص ۹۱۱].

## ۵. نتیجه‌گیری

۱- اصل جبران کامل خسارات که در حقوق ایران از آن به اصل اعاده وضعیت زیان‌دیده به قبل از وقوع ضرر تعبیر می‌گردد، در نظام‌های حقوقی مختلف و همچنین در اسناد بین‌المللی مورد پذیرش واقع شده و تنها در نحوه بیان و حدود و ثغور آن اختلافات جزئی وجود دارد. این اصل در موارد نقض قرارداد بیع بین‌المللی نیز قابل اعمال است. در حقوق قراردادهای بیع بین‌المللی اصل جبران کامل خسارات قراردادی اقتضا دارد متضرر از نقض قراردادهای بیع بین‌المللی قرار گیرد که در صورت اجرای کامل قرارداد باید قرار می‌گرفت.

۲- مبانی اصل جبران کامل خسارات با مبانی مسؤلیت قراردادی سازگار است. به نظر می‌رسد بهترین نظریه که می‌توان به‌عنوان مبنای این اصل قلمداد کرد، تئوری نفع متوقع است. به عبارت دیگر، تطبیق وضعیت زیان‌دیده با آنچه از اجرای قرارداد بیع بین‌المللی توقع داشته، بهترین راه برای تدارک جبران کامل خسارات است. با این حال تئوری‌های دیگر نیز به نحوی که بیان شد، بیگانه با اصل جبران کامل خسارات نیستند.

۳- روش عینی در تعیین میزان خسارات ناشی از نقض قرارداد بیع بین‌المللی عبارت است از روشی که در آن زیان‌دیده، مستحق مطالبه مابه‌التفاوت قیمت قراردادی در قرارداد اصلی و قیمت موجود در معامله جانشین است که این معامله جانشین به منظور بازخرید یا بازفروش کالای موضوع قرارداد اصلی با رعایت شرایط لازم منعقد می‌شود.

۴- روش انتزاعی در تعیین میزان خسارات ناشی از نقض قرارداد بیع بین‌المللی عبارت است از روشی که در آن زیان‌دیده، مستحق دریافت مابه‌التفاوت قیمت کالای دریافتی که غیرمنطبق با قرارداد بیع بین‌المللی است و قیمت رایج کالای موضوع قرارداد اصلی است.

۵- در اعمال روش‌های عینی و انتزاعی در تعیین میزان خسارات، رعایت اصل جبران کامل ضروری است، به نحوی که اولاً تا زمانی که روش عینی قابلیت اعمال دارد، اصل جبران کامل اقتضا دارد

که بر روش انتزاعی اولویت داشته باشد. ثانیاً از نظر تعیین شرایط و تفسیر ضوابط موجود در هریک از روش‌های مذکور، رعایت اصل جبران کامل لازم است.

## ۵. منابع

- [۱] قاسم زاده، سید مرتضی، *مبانی مسؤلیت مدنی*، چ ۵، تهران، میزان، ۱۳۸۷.
- [۲] بابایی، ایرج، «نقد اصل قابلیت جبران کلیه خسارات در حقوق مسؤلیت مدنی ایران» *مجله پژوهش حقوق*، ش ۱۶-۱۵، ۱۳۸۴.
- [۳] رنجبر، مسعود رضا، *تعیین خسارت ناشی از نقض قرارداد*، چ ۲، تهران، میزان، ۱۳۹۱.
- [۴] راف، آنه، *قواعد حقوق قرارداد انگلستان از نگاه رویه قضایی*، ترجمه سید مهدی موسوی، چ ۲، تهران، میزان، ۱۳۹۰.
- [5] Bell, John And Others, *Principles Of French Law*, London, Oxford University Press, 1998.
- [۶] صفایی، سید حسین و همکاران، *حقوق بیع بین‌المللی*، چ ۲، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
- [۷] بارراگراف، جرج و همکاران، *تفسیری بر حقوق بین‌المللی*، ترجمه مه‌راب داراب‌پور، ج ۳، چ ۱، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۴.
- [8] Bonell, Michael Joachim, *International Investment Contracts and General Contract Law: a Place for the UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts?*, Received From: [www.Heinonline.org](http://www.Heinonline.org), 2012.
- [۹] اخلاقی، بهروز و امام، فرهاد، *اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی*، چ ۲، تهران، شهر دانش، ۱۳۸۵.
- [10] Lando Ole & Beale, *The Principles of European Contract Law, prepared by the Commission on European Contract Law*, Kluwer Law International, The Hague, London, Boston, 2000.

[11] Tettenborn, Andrew, *Consequential Damages in Contract - The Poor Relation*, Available at: <http://digitalcommons.lmu.edu/llr/vol42/iss1/7>, 2008.

[12] Hart, William, *The Detriment of the Bargain: How the Limiting Principle of Precontractual Expenditures Place Undue Risk on a Non-Breaching Party*, Regnet University Law Review, 2005.

[13] Fuller L.L. & Perdue William R., *The Reliance Interest in Contract Damages*, Available at: <http://www.jus.uio.no/pace/reliance>, 1936.

[14] Friedmann, Daniel, *A Comment on Fuller and Perdue, The Reliance Interest in Contract Damages*, Issues in Legal Scholarship, 2001.

[15] Eisenberg, Melvin A., *The disgorgement interest in Contract Law*, Available at: <http://scholarship.law.berkeley.edu/cgi/viewcontent.cgi>, 2006.

[۱۶] نعیمی، هادی، خسارات قابل مطالبه در مسئولیت قراردادی در حقوق ایران، انگلیس و ایالت متحده آمریکا، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، رساله دکتری حقوق خصوصی، ۱۳۹۰.

[17] Pearce, David & Halson, Roger, *Damages for Breach of Contract: Compensation, Restitution and Vindication*, Oxford, 2008.

[18] Kull, Andrew, *Recission and Restitution*, Available at: <http://www.bu.edu/lawlibrary/facultypublications/kull>, 2005.


[۱۹] ره پیک، حسن، حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها، تهران، خرسندی، ۱۳۸۷.

[20] Benjamin, Benjamin, *Sale of goods*, Third edition, London, Sweet & Maxwell Publishing, 1987.

[۲۱] صفایی، سید حسین، مجموعه مقالات حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، چ ۱، تهران، میزان، ۱۳۷۵.

[22] Honnold, John, *Uniform law for international sales, under the 1980 United Nations convention*, Detherlands, kluwer Publishing, 1982.

[۲۳] قاسمی، محسن، «جبران خسارت نقض قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و

حسن بادینی و همکاران \_\_\_\_\_ تأثیر اصل جبران کامل خسارات... 

حقوق ایران، فرانسه، مصر و لبنان»، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ش ۳۲، ۱۳۸۴.

[24] Saidav, Djakhongir, *The law of damages in the international sale of goods*, North America (US and Canada), Hart Publishing, 2008.

[۲۵] قاسم زاده، سید مرتضی، حقوق مدنی، اصول قراردادها و تعهدات، تهران، دادگستر، ۱۳۸۳.

[۲۶] علیدوستی شهرکی، ناصر، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی، چ ۲، تهران، خرسندی، ۱۳۹۴.

[۲۷] حجازی، احمد، «معیارهای سنجش ارزش اموال مصادره شده بیگانگان در آرای دیوان دعاوی ایران و ایالات متحده»، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ش ۱۵-۱۴، ۱۳۷۰.

[۲۸] شعاریان، ابراهیم و رحیمی، فرشاد، حقوق بیع بین‌المللی، تهران، شهر دانش، ۱۳۹۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی